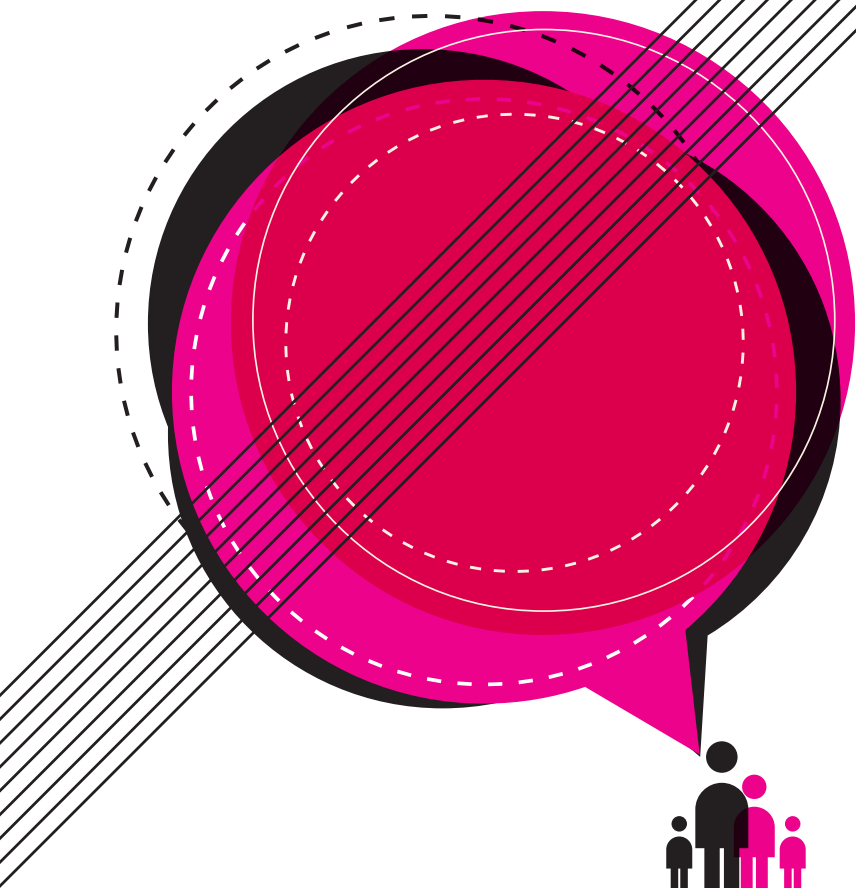


از فضا به تترون

برنامه‌های آمریکا برای انقراض نسل مسلمانان



کلاه گشادی که برسرمان رفت

چه خوب بود اگر شرایطی فراهم می‌شد که زمان، صد سال به عقب برمی‌گشت و چند روزی زندگی و جوانی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایمان را از نزدیک نگاه می‌کردیم! آن وقت خودبه‌خود سبک زندگی آن‌ها با طریقه زندگی امروز ما در ذهن‌مان مقایسه می‌شد و بعد، به راحتی دغدغه حضرت آقا در مورد احیای سبک زندگی اسلامی و ایرانی، در جان ما جا می‌گرفت. و آلا اگر همین‌طور پیش برود بعید است حالا حالاها بفهمیم چه کلاه گشادی برسرمان رفته! مخلص کلام اینکه به هرچه نگاه می‌کنیم می‌بینیم امروز و دیروزش کلی تفاوت کرده.. البته این مسئله منحصر به کشور ما نیست و صد البته در بعضی موارد وضع ما از خیلی کشورها بهتر است - مثل: آزادی روابط جنسی، ترویج و قانونی شدن همجنس‌بازی، تبلیغ فمینیسم، تبلیغ و تشویق به دخانیات و انواع مواد مخدر، آزادی و رواج سقط جنین، ترویج جهانی شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر»، رایگان شدن انواع جلوگیری از بارداری، تشویق به سزارین، عقیم‌سازی

به بهانه‌های مختلف؛ مثل واکسن‌های به ظاهر مفید اما عقیم‌کننده، تغییر نحوهٔ تداوی، تغییر تغذیه؛ مثل دست‌کاری شدن و یا شیمیایی شدن میوه‌ها، پدید آمدن سرکه، آبغوره و آبلیموی مصنوعی به جای ترش‌جات طبیعی، تولید غذاهای جدید از قبیل سوسیس، ماکارونی، کالباس، همبرگر، سس مایونزو...، تبدیل روغن‌های طبیعی حیوانی و گیاهی به روغن مایع و جامد مصنوعی، تبدیل نان‌های خانگی و یا طبخ‌شده در نانواپی‌های سنتی به نان‌های کارخانه‌ای، فانتزی و باگت، ترویج غذاهای مانده (که بر طبق دستورات دینی مکروهند) مثل کنسروبیجات، کاهش عمرشش ماهه یک مرغ به کمتر از چهل روز!، تبدیل تخم مرغ طبیعی به تخم مرغ ماشینی، تبدیل آجیل و نخودچی و کشمش و کشک و... به چیپس، شکلات، کاکائو، پفک و...، تبدیل برنج و نان سبوس‌دار به برنج و نان سفید، تبدیل صدها نوشینی مفید ایرانی به نوشابه و دلستر و آب‌میوه‌های مصنوعی، تبدیل کودهای طبیعی و حیوانی و گیاهی به کود شیمیایی و موارد بسیار دیگری که بنده از نوشتنش خسته می‌شوم و شما از خواندنش! خلاصه اینکه وقتی تمام موارد فوق را کنار هم می‌چینیم می‌بینیم انگار همگی دنبال یک مقصدند.

چند وقت پیش بعضی سازمان‌های مهم بین‌المللی و البته دوست‌دار بشریت و محیط زیست اعلام کردند: «نخبگان جهانی به این نتیجه رسیده‌اند که امکانات زمین گنجایش جمعیت هفت میلیاردی کنونی را ندارد؛ جمعیت ایده‌آل برای زمین فقط پانصد میلیون نفر است!»، و توضیح دادند که «آیا بهتر نیست به جای هفت میلیارد جمعیت گاه سیر و گاه گرسنه، نیم میلیارد جمعیت سیر، پر نشاط و با امکانات داشته باشیم؟!». همچنین آقای گورباچوف گفت: «ما باید به روشنی در مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و دربارهٔ ارزش کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چرا که بحران زیست‌محیطی در کوتاه مدت، بحران جمعیت است. اگر جمعیت جهان را تا ۹۰٪ کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب‌های زیست‌محیطی جدی به زمین وارد آورد». به نظر شما هم. حتی اگر ذهن شریف شما هم به اندازه من شکاک نباشد. با من در اینجا هم عقیده‌اید که گویا تمام گزینه‌هایی که در بالا ذکر شد، همگی در راستای همین فرمایش نخبگان محترم جهانی بوده، یعنی تلاش جهانی برای کاهش جمعیت تدریجی جهان! از ۷ میلیارد به ۵۰۰ میلیون نفر!

فعلاً شادی روح شهدای غزه، شهدای مظلومی که در ایام محاصره همه چیز از آن‌ها دریغ می‌شد؛ حتی دارو و فقط ورود گوجه فرنگی و سس مایونزه به آن‌جا آزاد بود... فاتحه مع‌الصلوات.

مغزهای شستشو شده!

بررسی‌های مختلفی در قالب پروژه‌های متعددی در آمریکا و کشورهای اروپایی روی رشد جمعیت در کشورهای مسلمان و در حال توسعه و تأثیر آن در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان و جابه‌جایی احتمالی قدرت انجام و تخمین زده شد که جمعیت این کشورها تا سال ۱۹۹۹ به ۵ میلیارد نفر افزایش پیدا می‌کند. برای همین روز ۱۱ جولای ۱۹۸۹ روز جهانی جمعیت و سیاست‌های تنظیم خانواده، در لوای اقدامات بشردوستانه و سلامت، توسط دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد تعیین شد. این روز درست معادل ۲۰ تیرماه ۱۳۶۸ در کشور ماست؛ زمانی که رفته رفته شعارهایی همچون «فرزند کمتر زندگی بهتر» بر ذهن مردم کشورمان حاکم می‌شد.

قرارداد میان ارتش آمریکا و دانشگاه جان هاپکینز:

در سال ۱۹۴۸، دولت آمریکا يك واحد آكادميك نخبه به نام دفتر تحقیق عملیات تأسیس كرد تا پایه‌های تئوریک عملیات روانی در علوم اجتماعی را استخراج كند. این دفتر توسط دانشگاه جان هاپکینز و طی قراردادی با ارتش آمریکا در بالتیمور مریلند پایه‌ریزی شد.

طی دهه هفتاد و در زمان هنری کسینجر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت، پروژه مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه که NSSM ۲۰۰ نام گرفت، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا در مورد جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مورد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند. بر اساس این پژوهش، جمعیت کشورهای در حال توسعه و با منابع غنی در صورتی که با همان ضریب رشد، افزایش یابد، موجب به شدت بالا رفتن خواست‌ها و انتظارات عمومی در میان مردم از جمله آموزش، اشتغال، بهداشت و مسکن می‌شود که خود به ناپایداری‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها تبدیل خواهد شد. این ناپایداری‌ها در کشورهای دارای منابع غنی تا اندازه زیادی منافع کشورهای صنعتی همچون آمریکا و بهره‌آنها از این منابع و سرمایه‌گذاری در کشورهای فوق را به خطر خواهند انداخت.

NSSM ۲۰۰ می‌گوید: «در حالی که برخی سخن از به کارگیری زور عریان برای تحمیل برنامه‌های بهتر جمعیت بر دولت‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته به میان می‌آورند، محدودیت‌های عملی بسیاری در تلاش ما برای حصول پیشرفت برنامه وجود دارد. مبادرت به استفاده از زور برای مسائلی با کمترین حساسیت، عموماً باعث اصطکاک سیاسی شده و اغلب نتیجه عکس می‌دهد. همچنین این خطر وجود دارد که برخی رهبران کشورهای کمتر توسعه‌یافته، فشارهای کشور توسعه‌یافته برای برنامه‌ریزی خانواده را به عنوان شکلی از امپریالیسم اقتصادی یا نژادی ببینند و این امر کاملاً می‌تواند يك واکنش جدی ایجاد نماید» و در جای دیگری می‌گوید: «عقاید، ایدئولوژی‌ها و ادارك غلط که توسط بسیاری از ملل بروز داده شد، نیاز به آموزش گسترده رهبران بسیاری از حکومت‌ها را بیش از همیشه و با قوت و قدرت بیشتری، نشان می‌دهد. دیدگاه‌هایی که قرار است به رهبران هر کشور لقاء شود، باید در پرتو عقاید کنونی آن‌ها طراحی شده و علایق و ویژه آن‌ها را در نظر بگیرد».

بعدها مهارت و تخصصی که در برنامه دفتر تحقیق عملیات ارتش آمریکا و دانشگاه جان هاپکینز ایجاد شده بود، به شکل استاندانه‌ای در هم تافته و به مدرسه بهداشت و سلامت عمومی دانشگاه جان هاپکینز انتقال یافت که رشته ارتباطات سلامت عمومی را ایجاد کرد. در کنار این رشته، مرکز برنامه‌های ارتباطات در سال ۱۹۸۸ توسط «فیلیس تیلسون پیوترو» به عنوان بخشی از دپارتمان پویایی جمعیت در مدرسه بهداشت و سلامت عمومی تأسیس شد که وی اکنون مدیر این مرکز می‌باشد. از هژزویه‌ای که این موضوع بررسی شود، مرکز برنامه‌های ارتباطات به طور ویژه کنترل جمعیت را هدف گرفته است. مرکز برنامه‌های ارتباطات که در رأس نهادهای پروپاگاندای جمعیتی دانشگاه جان هاپکینز قرار دارد، با آژانس‌های بین‌المللی، بنیادها و سازمان‌های غیردولتی متعددی در ایالات متحده و خارج از آن، برای تبلیغ و تشویق رفتار بهداشتی، کار می‌کند.

دو بخش اصلی و عمده مرکز، شامل خدمات ارتباطات جمعیتی و برنامه اطلاعات جمعیتی می باشند. خدمات ارتباطات جمعیتی کمک های تکنیکی را به پنج منطقه جهانی، شامل دولت های تازه استقلال یافته، خاور نزدیک، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ارائه می کند. در این بخش، مرکز حمایت های آموزشی و مالی از همدستان خود در بیش از ۶۵ کشور دنیا به عمل می آورد تا آن ها را در توسعه و ارزیابی برنامه های مؤثر اطلاعات - آموزش - ارتباطات و انگیزش (IEC/M) جهت تشویق و تقویت برنامه ریزی خانواده، بهداشت ضد بارداری و فعالیت های مشابه کمک نماید.

همانطور که مشاهده می شود، فعالیت های متعدد دانشگاه جان هاپکینز در برنامه جمعیتی IEC/M به «تغییر دادن طرز تفکر و رفتار جنسی» همه جهانیان به سمت جمعیت زدایی از طریق کنترل زاد و ولد اختصاص یافته است. برای اجرای این هدف در سراسر جهان، مرکز برنامه های ارتباطات طرحی به نام فعالیت ارتباطات ملی تهیه کرد که در آن برای هر کشور، برنامه ویژه آن طراحی گردید.

ما را به خیر تو امید نیست شرمسان

کتاب «بمب جمعیت» نوشته «پائول اریلیش» که در سال ۱۹۶۸ انتشار یافت، به عنوان کتاب مقدس معتقدان به تئوری ضد انسانی کاهش جمعیت عمل کرد. اریلیش از دولت آمریکا می خواهد هم در داخل کشور و هم در کشورهای جهان سوم، سیاست هایی را برای کاهش نرخ رشد بشر اتخاذ کند. در این میان بنیادهای صهیونیستی نیز بی کار ننشسته اند و یکی از حامیان اصلی سیاست کاهش جمعیت جهان (نه برای خود) و به طور خاص جهان سوم و به طور اخص کشورهای اسلامی شده اند. شرکت های صهیونیستی «راکفلر» و «گیتز» در سال های اخیر نقش پیشتازی را در تسریع این سیاست ها با استفاده از فن آوری های جدید (واکسن های دوگانه با هدف عقیم سازی) بر عهده گرفته اند. با تأمین بودجه هنگفت تحقیقات مربوط به تولید واکسن های دوگانه، در پی آن هستند که زنان و مردان فقیرترین کشورها را در قالب رست انسان دوستانه واکسیناسیون، آن ها را با واکسن هایی چون کزاز و دیفتی، برای همیشه عقیم سازند. گروه نخبه جهانی، عملیاتی به گستره جهان علیه جمعیت نا آگاه کشورها برای کاهش و کنترل باروری به راه انداخته است. واکسن ها و حتی غلات اصلی برای نیل به این اهداف دست کاری می شوند.

واکسن های ضد باروری

هدف اعلام شده اتحاد GAVI که در سال ۲۰۰۰ با کمک «بنیاد گیتز» ایجاد شد، واکسینه کردن تمام مردم جهان سوم است. سازمان بهداشت جهانی که یکی از شرکای اتحاد GAVI است؛ در دهه ۱۹۷۰ در قالب «گروه کاری مربوط به تولید واکسن هایی برای قانونمند کردن باروری» به بانک جهانی و صندوق جمعیت سازمان ملل پیوست. این گروه به عنوان یک بدنه هماهنگ کننده جهانی برای تحقیق و تولید واکسن های ضد باروری در گروه های کاری مختلف عمل می کند و از تحقیقات انجام شده در حوزه های مختلف نظیر واکسن های ضد اسپرم و ضد تخمک و واکسن های طراحی شده برای خنثی کردن کارکردهای باروری زیست شناختی حمایت می کند. این گروه موفق به تولید نمونه اولیه یک واکسن ضد باروری شده است. با جایگزین کردن اچ سی جی درون یک واکسن کزاز، که به عنوان ناقل عمل می کند، بدن انسان با آن



همچون يك عامل مهاجم رفتار می‌کند و برای مقابله با آن آنتی بادی‌هایی را تولید می‌کند. این عمل بر عقیم‌سازی زنانی که این واکسن را دریافت کرده‌اند اثر می‌گذارد و در بسیاری از موارد، هنگامی که در طول دوره بارداری این واکسن به آن‌ها داده می‌شود، به سقط جنین می‌انجامد.

بعد از اثبات موفقیت‌آمیز بودن واکسن‌های ضدباروری، واکسن‌های کزاز حاوی اچ‌سی‌جی در چندین کشور در حال توسعه به کار گرفته شدند. از بیشترین کشورها به‌طور خاص در یادداشت شماره دویست امنیت ملی سال دولت ایالات متحده به‌عنوان کشورهای هدف برای کاهش جمعیت نام برده شده بود. این مدرک توصیه می‌کرد که در آن زمان یعنی در سال ۱۹۷۴، «داروهای پیش‌گیری از بارداری تزریقی» باید بودجه بیشتری دریافت کنند.

به دنبال استفاده پنهانی گسترده از واکسن‌های ضد باروری، BBC برنامه مستندی را با عنوان «آزمایشگاه انسانی» در سال ۱۹۹۵ پخش کرد. در این برنامه کشف واکسن‌های ضدکزاز آلوده شده و در نتیجه عقیم‌سازی زنان فیلیپینی فاش گردید. در یکی از قسمت‌های این مستند چنین آمده بود: «زنان می‌گفتند چرا باید واکسن‌های ضدکزاز به ما تزریق شود که چنین اثراتی بر ما داشته است؟

چرخه باروری ما مختل شده و زنانی در بین ما هستند که خونریزی و سقط جنین داشته‌اند. بعضی از آن‌ها در همان مراحل اولیه بارداری، بچه‌هایشان را از دست داده‌اند. اندکی بعد از تزریق واکسن ضدکزاز، نشانه‌های آن آشکار می‌شود؛ در برخی موارد روز بعد و در موارد دیگر، ظرف یک هفته بعد از تزریق. کسانی که در سه یا چهار ماهگی دوران بارداری خود بودند، سقط جنین‌شان به‌راستی هولناک‌تر بود.

یکی از مدارک منتشرشده یونیسف در سال ۲۰۰۶ که در واکسینه کردن مردم بسیاری از کشورهای جهان سوم نقش داشته است، از یکی از مأموران پروژه همیاری برای بهداشت در یکی از مناطق اتیوپی نقل قول می‌کند که گفته است: «خانم ترسیت می‌گوید: در سایر مکان‌ها زنان در این سن اغلب تن به این کار نمی‌دهند. همه نوع شایعات گمراه‌کننده در این مناطق پیچیده بود که این تزریق‌ها آن‌ها را عقیم خواهد کرد یا به طریقی به آن‌ها آسیب خواهد زد. اما ریش سفیدهای روستا با ما بودند. آن‌ها زنان را تشویق می‌کردند که این کار را انجام دهند». همچنین خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی در این زمینه نوشت: «فعالان حقوق زنان و مجموعه‌ای از گزارش‌های رسانه‌ای حکایت از آن دارند که زنان اتیوپی که طی دو دهه گذشته به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند، مجبور به استفاده از نوعی داروی جنجال‌برانگیز کنترل جمعیت هستند، بدون آن‌که به طور کامل از عوارض جانبی استفاده از آن مطلع شده باشند». همچنین اتهامات مقامات تل‌آویو درباره تلاش برای کنترل جمعیت در جامعه اتیوپیایی‌ها نخست در سال ۲۰۰۸ در گزارشی که روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونوت» منتشر کرد، فاش شد. براساس این گزارش، به زنان اتیوپیایی قبل از مهاجرت گفته شده بود که تربیت کودکان در تل‌آویو بسیار هزینه‌بر است و باید برای تسهیل روند مهاجرت‌شان از داروهای کنترل جمعیت استفاده کنند. آسوشیتدپرس در پایان گزارش خود با اشاره به آمارهای رسمی نوشت: «نرخ زاد و ولد زنان مهاجراتیوپیایی در سرزمین‌های اشغالی از ۴/۶ در سال ۱۹۹۶ به ۲/۵ در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است که کمتر از متوسط نرخ زاد و ولد دیگر شهروندان ساکن سرزمین‌های اشغالی است».

دم خروس را ببینیم یا قسم حضرت عباس؟!

در حالی که بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، صندوق رشد، یونیسف، یونسکو، فائو... بائست‌های انسان‌دوستانه و در غالب برنامه‌های بهداشتی، سیاست‌های جمعیتی غرب را در جوامع اسلامی و توسعه‌نیافته یا در حال توسعه اجرایی می‌کنند؛ پاپ دوازدهم در سال ۱۹۱۵، در نطقی که ایراد کرد تأیید می‌کند، هر عمل جنسی که منجر به تولید نسل نگردد از نظر کلیسای کاتولیک محکوم شناخته می‌شود. بسیاری از کشورهای غربی مشوق‌های مالی و حمایتی گوناگونی را برای سرپرست خانواده و به خصوص مادران برای افزایش جمعیت دارند. بنابراین اگر چنانچه جمعیت، عامل زندگی سخت‌تر است پس باید همان سیاستی که در قبال کشورهای اسلامی و آفریقایی اتخاذ می‌شود در کشورهای غربی نیز اجرایی شود.

سیاست‌های جمعیتی آمریکا:

۱- کاهش شدید مالیات بر درآمد برای خانواده‌های پرجمعیت. ۲- اعطای اعتبار مالیاتی اضافی و شهریه دانشگاه برای فرزندان. ۳- مهاجرت سالانه ۹۰۰,۰۰۰ نفر

سیاست‌های جمعیتی رژیم صهیونیستی:

۱- شورای افزایش جمعیت اسرائیل با همکاری کابینه رژیم صهیونیستی که سال ۱۳۴۶ شمسی تأسیس شد برای تشویق زنان اسرائیلی به زایش بیشتر بود که کمک مالی چشمگیری را به آنان اختصاص داده است. ۲- در مورد تعداد فرزندان، مقرر شده که هر عائله حداقل باید چهار فرزند داشته باشد. ۳- میزان حق اولاد پرداختی به کارمندان زیاد است. ۴- بچه زیاد موجب کاهش انواع و اقسام مالیات‌ها می‌شود. ۵- کارمندان بازنشسته که دارای فرزند بیشتری هستند حقوق بازنشستگی بیشتری دریافت می‌کنند. ۶- نظریه‌پردازان صهیونیستی همواره به نقش مؤثر و سازنده زنان متدین یهودی در تقویت رژیم اشغالگر قدس اشاره می‌کنند و معتقدند زانی برای اسرائیل مفیدترند که صاحب هشت فرزند باشند.

سیاست‌های جمعیتی انگلستان:

۱- اختصاص ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای زنان که ۳۹ هفته آن همراه با حقوق است به این صورت که در ۶ هفته اول دوره مرخصی ۹۰ درصد حقوق کامل پرداخت می‌شود و مابقی مرخصی به عنوان حداقل دستمزد برای پرداخت در نظر گرفته شده است. ۲- اختصاص حقوق هفتگی برای پدر و مادر: بچه اول ۳/۲۰ پوند و به ازای هر بچه اضافه ۴/۱۳ پوند

سیاست‌های جمعیتی فرانسه:

۱- ۱۶ هفته مرخصی زایمان برای مادران همراه با حقوق و مزایای کامل. ۲- دریافت سالانه ۱۰۰۰ یورو کمک مالی در صورت داشتن بچه سوم. ۳- مرخصی ۳ ساله به ضمانت اینکه به شغل خود بازگردند. ۴- تضمین قانونی دولت به خانواده‌ها در رابطه با پرداخت سالانه کمک هزینه‌های مالی فرزندان برای پیش‌دبستانی و دوران مدرسه و دانشگاه از ۳ سالگی تا سنین تعیین شده. ۵- پرداخت بخشی از هزینه خدمتکار در صورت استخدام خدمتکار برای فرزند. ۵- اختصاص سبد کالا. ۶- کاهش اخذ مالیات. ۷- استفاده از امکانات دولتی برای فرزندان و خانواده‌ها

نظر لطف شماسست ...

«ارنویج من» محقق آمریکایی در مقاله‌ای در واشنگتن تایمز می‌گوید: «در ایران میانه‌رو وجود ندارد و حکومت در پی رسیدن به مقام ابرقدرتی در منطقه است و نیز به دست آوردن سلاح اتمی.» وی می‌گوید: «در کنار این استراتژی، باید جمعیت رو به افزایش ۶۰ میلیونی ایران را در نظر داشت که طی ۲۵ سال آینده دو برابر خواهد شد و قدرت بی‌نهایت نظامی انسانی را به وجود خواهد آورد.»

«ساموئل هانتینگتون» نظریه‌پرداز غربی درباره جمعیت کشورهای اسلامی می‌گوید: «تمدن اسلامی، ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم این چالش را متفاوت کرده. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند.»

همچنین می‌گوید: «در این دهه، انقلاب اسلامی ایجاد شد. افزایش ۲۰ درصدی جمعیت جوانان در

الجزایر، در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ منجر به پیروزی مسلمانان در انتخابات شد».

ساموئل هانتیتون نگرانی اش را اینگونه بیان می‌کند: «توسعه جمعیت مسلمانان، بسیار بالاتر و بیشتر از کشورهای همسایه و در کل جهان می‌باشد. جمعیت مسلمانان ۱۰ برابر جمعیت اروپای غربی افزایش یافته است. این تحول، باعث تغییر موازنه دینی جهان می‌شود. مسلمانان، ۱۸ درصد جمعیت جهان را در سال ۱۹۸۰ داشته‌اند و پیش بینی می‌شود، این میزان در سال ۲۰۰۰ به ۲۳ درصد و در سال ۲۰۲۵ به ۳۱ درصد برسد. این افزایش بیشتر از افزایش تعداد مسیحیان خواهد بود».

همین‌طور چندین سال قبل «هفته‌نامه آمریکایی نیورپابلیک»، در گزارشی نوشته بود: «در سال ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۰ ترکیب جمعیتی ایران از الگوی رایج در جهان سوم یعنی باروری فراوان؛ به الگوی جهان اولی بدل گشته است، نرخ زاد و ولد در ایران نه تنها از تمام کشورهای خاورمیانه بلکه از آمریکا نیز پایین‌تر است».

همچنین برژینسکی، سیاستمدار کهنه‌کار و مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، در مصاحبه‌ای با روزنامه «وال استریت ژورنال» گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بهره‌زید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدتی را انجام دهید چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست».

عذر بدتر از گناه

بر اساس گزارشی که اخیراً سازمان سیا منتشر کرده است تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده اسرائیلی است. بر اساس این گزارش این رقم حتی کمتر از خانواده‌های انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی است. سازمان جاسوسی آمریکا می‌گوید: «زنان ایرانی با دارا بودن ۱،۸۷ فرزند در مکان ۱۴۴ ام جدول جهانی قرار می‌گیرند. این در حالی است که حتی اسرائیل با رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲، انگلیس ۱۳۷ در مکان‌های بالاتر از ایران قرار می‌گیرند».

بر اساس سناریو رشد پایین جمعیتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد در ۸۰ سال آینده جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷ درصد آن را افراد سالمند بالای ۶۰ سال را در برمی‌گیرند. ایران در حال حاضر نیز جز ۱۰ کشوری است که به سرعت به سمت کهن سالی در حال حرکت است و در جایگاه ششمین کشور جهان قرار دارد که افراد آن به سن پیری می‌رسند.

یکی از الگوهای پیشرفت و ترقی برای ما ژاپن است! با مساحتی معادل یک سوم ایران و جمعیتی تقریباً سه برابر ایران، یعنی تراکم جمعیت ۹ برابر. لابد می‌فرمایید ژاپن کجا؟ ما کجا؟ بسیار خوب. اندونزی چگونه است؟ با مساحتی کمتر از ایران و با جمعیتی بیش از سه برابر. چین چگونه است؟ با مساحت ۵/۷ برابر ایران و با جمعیتی ۲۰ برابر یعنی یک میلیارد و دویست میلیون نفر. آیا این عدم توان بخاطر جمعیت است یا به دلیل ناتوانی در برنامه‌ریزی و مدیریت؟

